

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

۲	بیان مسأله.....
۵	جوامع مورد مطالعه.....
۶	اهداف تحقیق.....
۶	اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۷	پرسش تحقیق.....
۷	فرضیه تحقیق.....
۷	مقطع زمانی.....
۷	روش تحقیق.....
۸	ادبیات تحقیق.....
۱۰	تعریف مفاهیم و واژگان.....
۱۵	شاخص های متغیر مستقل.....
۱۷	شاخص های متغیر وابسته.....
۱۸	سازماندهی پژوهش.....

فصل دوم: چهارچوب تئوریک: نظریه جهانی شدن

گفتار اول

۲۱	الف) سابقه جهانی شدن.....
۲۵	ب) مفهوم جهانی شدن.....

۳۰	گفتار دوم: نظریه های جهانی شدن
۳۰	الف) نظریه پردازان کلاسیک
۳۲	ب) نظریه پردازان جدید
۴۶	گفتار سوم: ابعاد جهانی شدن
۴۷	جهانی شدن اقتصاد
۵۰	جهانی شدن سیاست
۵۲	جهانی شدن فرهنگ
۵۷	گفتار چهارم: نظریه جهانی شدن رونالد رابرتسون
۶۴	نتیجه گیری

فصل سوم: جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات

۶۷	گفتار اول: جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات
۷۲	گفتار دوم: شاخص های جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات
۷۵	رسانه های جمعی
۷۷	پیدایش اینترنت
۸۲	کاربری اینترنت
۸۷	تلویزیون ماهواره ای
۹۰	شبکه بی بی سی
۹۱	شبکه ام بی سی
۹۴	نتیجه گیری

فصل چهارم: جهانی شدن حقوق بشر

گفتار اول: جهانی شدن حقوق بشر ۹۷

جهانی شدن حقوق بشر زنان ۱۰۰

گفتار دوم: شاخص های جهانی شدن حقوق بشر زنان

۱- اسناد حقوق بشری حقوق زنان ۱۰۵

۲- وضعیت زنان جهان ۱۱۳

نتیجه گیری ۱۲۲

فصل پنجم: حقوق زنان خاورمیانه

گفتار اول: دموکراسی در خاورمیانه ۱۲۵

گفتار دوم: حقوق زنان خاورمیانه ۱۳۴

فصل ششم: حقوق زنان در کشورهای مورد مطالعه

گفتار اول: حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی زنان در عراق ۱۵۳

گفتار دوم: حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی زنان در کویت ۱۵۹

گفتار سوم: حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی زنان در مصر ۱۶۳

نتیجه گیری نهایی ۱۶۵

فهرست منابع ۱۶۷

فصل اول

کلیات

بیان مسأله

از دهه ۸۰ به بعد، روند جهانی شدن به گونه ای اجتناب ناپذیر رو به گسترش نهاد و تمام شئون حیات بشری مانند سیاست، اقتصاد، فرهنگ و ... را متاثر ساخت و به منبع پر قدرتی برای تغییر و تحول تبدیل شد. جهانی شدن، یک پدیده گسترده جهانی است که آثار متفاوتی بر زندگی مردم جهان، اعم از غنی و فقیر، زن و مرد، سیاه و سفید، شهری و روستایی بر جای نهاده است. به طوری که اقتصادی ملی، روابط بین المللی و زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی افراد را تحت تاثیر قرار داده است. به این ترتیب جهانی شدن پدیده ای است که اتفاق افتاده است و همچنان به حرکت خود ادامه می دهد، به گونه ای که هیچ کشوری قادر به کنترل و مهار آن نیست و به راحتی نمی توان در عصر جهانی شدن فضای دولت - ملت و جغرافیا را عامل سدکننده در مسیر جهانی شدن دانست. در این راستا، کشورهای در این نظام نقش آفرینی می کنند که حرکت سرمایه، بازار آزاد، تجارت آزاد، دموکراسی و حمایت از حقوق بشر را مورد توجه قرار می دهند.

فرایند تحولات دهه پایانی قرن بیستم ما را به این نتیجه می رساند که در عصر جهانی شدن توجه به کرامت و حیثیت انسانی و حمایت از حقوق انسان به پارادایم اصلی تغییر در نظام بین الملل مبدل شده است. با توجه به این رویکرد پرسونالیستی^۱ (شخصیت گرایی) نسبت به انسان، جایگاه و نقش زنان در عصر جهانی شدن با توجه به محدودیتهای مختلفی که زنان با آنها دست به گریبانند، موضوعی است که در تمام جوامع و در تمامی برهه های تاریخی قابل تحقیق است. بنابراین شناسایی و تحلیل حقوق زنان در دو سده اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است زیرا زن و جایگاه او یکی از مباحث مربوط به حقوق بشر در جامعه است. در واقع تعریف از نقش و جایگاه حقوقی زنان در فرهنگ هر جامعه نشانگر میزان اهمیت و منزلت زنان در آن جامعه می باشد. در اثر تحولات فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، زنان در پی ایفای نقش موثرتر و آشکارتری در جامعه بوده و به این منظور حقوق سیاسی و اجتماعی متعددی را مطالبه می کنند. این مطالبات و تلاشها که گاه به صورت حرکتهای فکری، سیاسی، اجتماعی گسترده و گاه با ابعاد جهانی ظاهر شده، دستاوردهای فراوانی داشته است. به خصوص از نیمه قرن نوزدهم به بعد با شکل گیری میثاقها، کنوانسیونها، تشکیل کنفرانسها و صدور بیانیه ها و تنظیم اسناد بین المللی، حقوق زنان در عرصه های مختلف، نظمی حقوقی یافت.

اعلامیه ی جهانی حقوق بشر که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، ترسیم کننده شمایی کلی است از آنچه در این قرن باعث اجماع بنیادین بر حقوق تمامی افراد شد در مسائلی مانند:

^۱ Personalism

امنیت فرد، برده داری، شکنجه، حمایت قانون، آزادی رفت و آمد و بیان و مذهب و گردهم آیی، حقوق مربوط به امنیت اجتماعی، کار، بهداشت، آموزش، فرهنگ، حقوق شهروندی و... در این قانون صراحتاً ذکر شده که این حقوق، بدون هیچ تبعیضی به لحاظ نژاد، رنگ، جنس، زبان و سایر شئون، نسبت به تمام افراد بطور مساوی اعمال می گردد اعلامیه جهانی حقوق بشر، این حقوق را جهان شمول، مسلم و غیرقابل انتقال و تفکیک توصیف می کند. (ماده ۲) واضح است که اعمال حقوق بشر مندرج در اعلامیه جهانی، نسبت به زنان مسلم فرض شده است جهان شمول بودن این قانون به معنای آن است که حقوق بشر، شامل هر فردی بواسطه انسانیت اش می شود. همچنین حامل این معناست که این قوانین بر هر فردی بطور برابر اعمال می شود و هر شخصی، به صرف انسان بودن در آن برابر است. با توسل به جهان شمول بودن حقوق بشر، زنان خواستار آن شده اند که انسانیت آنها به رسمیت شناخته شود. این به رسمیت شناختن و نیز همزمان، تشخیص زنان به عنوان حاملان حقوق بشر، باعث گنجاندن زنان و چشم اندازهای جنسیتی در تمامی اندیشه ها و مؤسساتی می شود که متعهد به ترویج و حمایت از حقوق بشر بوده اند.

اولین سندی که سازمان ملل در زمینه حقوق زنان تدوین کرد عهدنامه سیاسی زنان در ۱۹۵۲ بود. سپس کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۸ آذر ۱۳۵۸) طی قطعنامه شماره ۱۸۰/۳۴ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و در تاریخ سوم سپتامبر ۱۹۸۱ (سوم شهریور ۱۳۶۰) با تودیع بیستمین سند تصویب از سوی دولتها به دبیر کل سازمان ملل متحد، طبق ماده ۲۷ کنوانسیون، قدرت اجرایی پیدا کرد. (حمیدی، ۲۵، ۱۳۸۲) می توان گفت در میان معاهدات حقوق بشری و به ویژه شش معاهده اصلی حقوق بشری پس از کنوانسیون حقوق کودک که دارای ۱۹۲ عضو و بیشترین عضو را داراست، کنوانسیون حقوق زن از این حیث در مقام دوم قرار دارد. این کنوانسیون که مظهر جهانی شدن حقوق زنان است نقطه عطف پژوهش حاضر محسوب می شود. کنفرانس های سازمان ملل متحد در خصوص زنان در مکزیکوسیتی 1975 کپنهاک، 1980، نایروبی 1985 جهانی شدن حقوق زنان را تسریع نمود تا اینکه در سال ۱۹۹۵ در چهارمین نشست بزرگ زنان در پکن سندی تدوین شد که بر اساس آن نیازهای زنان در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت که ارزنده ترین سند در این زمینه محسوب می شود. در کنفرانس نیویورک ۲۰۰۰ که به سند اهداف هزاره معروف است اوج جهانی شدن حقوق زنان را شاهد هستیم.

البته نقطه آغاز تلاش جمعی حقوق برای دستیابی به حقوق برابر که به جنبش فمینیسم موسوم است، از دو سده قبل از غرب شروع شد اما نتوانست در جوامع سنتی و پدرسالاری^۲ مانند خاورمیانه نفوذ کند به طوری که شکاف حقوقی-مدنی زنان غرب و زنان سایر نقاط جهان به مرور عمیق تر شد. در جوامع خاورمیانه ای زنان از ابتدایی ترین حقوق محروم بودند و مردسالاری به عنوان یک هنجار، مورد قبول همگان بود. بررسی وضعیت زن خاورمیانه در رابطه با ابعاد مختلف جهانی شدن در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و... و نقش و موضع‌گیری و مشکلاتی که در این راستا دارد و یا با آن مواجه است، بسیار ضروری است. به طور کلی زنان خاورمیانه آثار پدیده جهانی شدن را با گستردگی و عمق بیشتری تجربه می‌کنند به عنوان اقشار محروم و منزوی، به دلیل دسترسی نداشتن به منابع و فرصتهای مناسب، به گونه ای متفاوت از جهانی شدن تاثیر پذیرفته اند. در حالی که جوامع خاورمیانه با جریان دموکراسی رو در رویند، هیچ چالشی به اندازه تغییر جایگاه نابرابر زنان دشوار نیست البته خاورمیانه تنها منطقه جهان نیست که در آن زنان، عملاً در مقام شهروندی درجه دوم قرار گرفته‌اند. در آسیا، افریقا، امریکای لاتین، اروپا و امریکای شمالی، هنوز زنان در راه رسیدن به حقوق کامل خویش و در شراکت برابر با مردان با موانع زیادی مواجه هستند که همه ریشه در امر جنسیت دارد. در کشورهای خاورمیانه شکاف قابل توجهی بین زنان و مردان در زمینه حقوق برابر دیده می‌شود زنان در کشورهای خاورمیانه با تبعیض مستمر و نظام یافته از لحاظ قانون و سنتهای اجتماعی مواجه‌اند. عواملی هم چون سنت، تعصبات و منافع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، دست به دست هم داده اند تا زنان را از تعاریف «عام و کلی» حقوق بشر خارج کرده و آنها را به جایگاه ثانویه تنزل دهند. مسئله ی به حاشیه راندن زنان در دنیای حقوق بشر، انعکاس از بی عدالتی جنسیتی گسترده در سرتاسر جهان بوده و نیز تأثیر عمیق بر زندگی زنان داشته است. این امر به تداوم ماندن زنان در وضعیت فرودست و اغماض از این مسئله یاری رسانده است.

بنابراین پژوهش درباره جایگاه زنان در حیات سیاسی و اجتماعی کشورهای خاور میانه شتاب بیشتری گرفته است، به ویژه اینکه عموم این کشورها درگیر پیامدهای گوناگون روند جهانی شدن هستند. دو پدیده اساسی یعنی نظام های سیاسی- اقتصادی منطقه و حاکمیت فرهنگ پدرسالاری در سایه جهانی شدن در حال تعدیل شدن هستند. لازم به ذکر است که جهانی شدن امری چند وجهی است و قابل تسری به همه شئون حیات بشری است که سه وجه اصلی آن (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) می باشد. در این نوشتار، به دلیل گستردگی مبحث، تاکید و تمرکز بر بعد فرهنگی جهانی شدن است که خود دارای شاخص هایی مانند: تورسیم، ارتباطات و

² Patriarchy

اطلاعات، حقوق بشر (حقوق بشر زنان) و ... می باشد که به هر یک در قالب داده های کمی و کیفی در فصول بعدی پرداخته می شود.

بنابراین در پژوهش حاضر، تاثیر جهانی شدن بر دگرگونی وضعیت و نقش زنان در زمینه های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای خاورمیانه مورد بررسی قرار می گیرد و به ویژه آمارهای قابل توجهی از رشد و گسترش آموزش و تحصیلات، میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی، اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان در این کشورها به عنوان اصلی ترین شاخص های حقوق زنان ارایه شده است. البته به دلیل تنوع و ناهمگونی جوامع خاورمیانه بررسی وضعیت تمام آنها در این نوشتار امکان پذیر نیست بنابراین سه کشور مصر، عراق و کویت را در این پژوهش مورد مطالعه قرار می دهیم.

جوامع مورد مطالعه

سه کشور مصر، عراق و کویت جوامع مورد مطالعه در این پژوهش هستند. این سه کشور ضمن داشتن اشتراکاتی با یکدیگر مانند: مذهب مشترک (اسلام)، زبان مشترک (عربی)، فرهنگ اسلامی و ...، هر یک موقعیت و ویژگی های منحصر به فردی دارند که آنها را از هم متمایز می سازد.

مصر به عنوان کشوری با سابقه عظیم تمدنی که در این پژوهش نماینده افریقا در خاورمیانه است و جنبش زنان مصر در کنار جنبش زنان ایران در منطقه پیشتاز بوده است و قدمت جنبش زنان مصر به اوایل سده ۱۹ بازمی گردد. عراق به عنوان کشوری در جنوب غربی آسیا که ضمن واقع شدن در حوزه خلیج فارس، دارای ساختار سیاسی - حکومتی (جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانون گذاری) متفاوت از سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس می باشد. کویت نیز به عنوان کشوری جدید در منطقه که در ۱۹۶۱ پیدایش یافت و به مانند دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به صورت سلطنتی (مشروطه) اداره می شود و به لحاظ فرهنگی - سیاسی - اقتصادی اشتراکاتی با این کشورها دارد و در واقع نماینده کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. علاوه بر این، سه کشور فوق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان پیوسته اند که این به معنی آغاز تلاش برای سازماندهی وضعیت حقوق بشر زنان در این کشورها است زیرا در هر جامعه ای، زنان به عنوان بخشی از پیکره آن، دارای حقوقی هستند و قوانینی مربوط به آنها تنظیم شده که متاثر از فرهنگ و باورهای حاکم بر آن جامعه است.

اهداف تحقیق

هدف از پژوهش حاضر این است که تاثیر جهانی شدن بر حقوق زنان در خاورمیانه را مورد مطالعه قرار دهیم و به سؤالاتی که در این محدوده مطرح می شود، پاسخ دهیم.

جهانی شدن چیست و چگونه ساختارها و روندهای جهان را تحت تاثیر قرار داده است؟ آیا جهانی شدن توانسته است حقوق زنان خاورمیانه را دگرگون سازد؟ آیا حقوق سیاسی- اجتماعی - اقتصادی زنان خاورمیانه تحت تاثیر جهانی شدن ارتقاء یافته و یا در این راستا توفیقی نیافته است؟ و در نهایت اینکه پیامدها و نتایج تاثیرپذیری حقوق زنان از جهانی شدن در جوامع خاورمیانه چیست؟

پاسخ به این سؤالات ، به درک واقعیت های جهان کنونی یاری می رساند و نتایج آن را می توان در ایران مورد ارزیابی و مقایسه تطبیقی با کشورهای مورد مطالعه در خصوص وضعیت زنان قرار داد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در باب ضرورت و اهمیت تحقیق لازم به ذکر است که پدیده جهانی شدن در دو دهه اخیر به رایج ترین و پرکاربرد ترین مفهوم در مطالعات و تحقیقات بشری تبدیل شده است. این اهمیت در درجه نخست از شدت و شتاب فرآیند جهانی شدن که بر ابزارها و امکانات ارتباطی استوار است، ناشی می شود. بنابراین آشنایی و شناخت پدیده جهانی شدن، مفهوم آن، نظریات موجود پیرامون پدیده جهانی شدن ، ابعاد گسترده آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ارتباطی و غیره) و در نهایت آثار و تبعات جهانی شدن بر ابعاد مختلف زندگی بشری تأثیر به سزایی در فهم تحولات و مبادلات عصر حاضر دارد

همچنین بررسی تاثیر جهانی شدن بر حقوق زنان³ (سیاسی- مدنی ، اجتماعی - اقتصادی) به عنوان مهم ترین رکن حقوق بشر در منطقه استراتژیک خاورمیانه⁴ که در مسیر تحولات جهانی شدن قرار دارد، از اهمیت مطالعاتی برخوردار می باشد.

³ WOMEN S RIGHTS

⁴ MIDDLE EAST

پرسش تحقیق

آنچه در این تحقیق سوال اصلی ما محسوب می شود و قصد پاسخ به آن را در طول تحقیق داریم ، عبارت است از: تاثیر جهانی شدن بر حقوق زنان در خاورمیانه (۲۰۱۰-۱۹۷۹) چه بوده است؟

متغیر مستقل: جهانی شدن

متغیر وابسته: حقوق زنان در خاورمیانه

فرضیه تحقیق

جهانی شدن منجر به ارتقاء حقوق زنان در خاورمیانه (۲۰۱۰-۱۹۷۹) شده است.

متغیر مستقل: جهانی شدن

متغیر وابسته: ارتقاء حقوق زنان در خاورمیانه

مقطع زمانی

پژوهش حاضر با کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان^۵ در دسامبر ۱۹۷۹ آغاز می شود و با بررسی سه دهه (۱۹۸۰-۲۰۱۰) ادامه می یابد. زیرا این کنوانسیون نقطه عطف و مظهر جهانی شدن حقوق زنان است و با اوج گیری و فراگیر شدن پروسه جهانی شدن و بازتاب هایش در ابعاد مختلف، حقوق بشر و در نتیجه حقوق زنان در جوامع مختلف، ماهیتی جهانی یافت.

روش تحقیق

در این پژوهش روش تبیینی را برای بررسی اثرگذاری متغیر مستقل (جهانی شدن) بر متغیر وابسته (حقوق زنان در خاورمیانه) به کار می گیریم. علاوه بر این برای روشن ساختن وضعیت حقوق زنان مانند میزان مشارکت سیاسی، وضعیت اشتغال، تحصیل و ... از آمار و ارقام بهره خواهیم جست. روش گردآوری داده های پژوهشی به روش کتابخانه ای از نوع کیفی (کتب، مقالات) و کمی (داده های آماری) می باشد.

^۵CEDAW: Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against women

کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان

ادبیات تحقیق

در مورد موضوع پژوهش حاضر هیچ منبعی که کل مباحث را در بر بگیرد، نه در زبان فارسی و نه لاتین یافت نشد. اما از آنجایی که موضوع تحقیق، چند عنوان کلی را به هم پیوند می‌زند و ترکیبی از چند موضوع می‌باشد بنابراین از منابع متعددی برای تبیین موضوع، استفاده شده است. بر این اساس منابع را به چند دسته تقسیم می‌کنیم و به بررسی آنها می‌پردازیم.

در دسته نخست منابع مربوط به جهانی شدن قرار می‌گیرد که به دلیل گستردگی و تعدد نظریات و نظریه پردازی‌ها، تنها به ذکر چند منبع پرکاربرد می‌پردازیم. کتاب «نظریه‌های گوناگون پیرامون جهانی شدن» نوشته دکتر حسین سلیمی در زمینه تعریف مفهوم و نظریه‌ها و نظریه پردازان جهانی شدن در کنار کتاب احمد گل محمدی به نام «جهانی شدن فرهنگ و هویت» که در فصل اول نظریه‌های جهانی شدن و ابعاد جهانی شدن را مورد بررسی قرار می‌دهد، جهت مفهوم سازی و تعریف جهانی شدن بسیار مفید واقع شد. در کنار این دو منبع، آثار متفکران و صاحب نظران این امر نیز که بسیاری از آنها به فارسی برگردانده شده است در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. اثر رونالد رابرتسون با عنوان «جهانی شدن، تئوری اجتماعی و فرهنگ جهانی» ضمن تبیین پدیده جهانی شدن، نظریه جهانی شدن را نیز مطرح می‌کند که در این نوشتار به عنوان چهارچوب تئوریک انتخاب شده است.

در مورد جهانی شدن فرهنگ که بعد مورد نظر در این تحقیق است کتاب «جهانی شدن و فرهنگ» اثر جان تاملینسون و کتاب «فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر» اثر حسین سلیمی مورد استفاده قرار گرفت. اما در خصوص جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات آثار بسیاری به کار رفت که چند نمونه از آنها عبارتند از: کتاب سه جلدی مانوئل کاستلز «عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ» که وسائل ارتباط جمعی و جامعه اطلاعاتی را بررسی می‌کند و آثار جهانی آنها را بر روی اقتصاد و جامعه و فرهنگ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. علاوه بر این نظریات هربرت مارشال مک لوهان در مقاله ای تحت عنوان «برای درک رسانه» که چکیده نظریات او درباره جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات است، مورد استفاده قرار گرفت. مقاله «جامعه اطلاعاتی: چند دیدگاه بنیادی» یونس شکرخواه، نظریات پیرامون جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات را بررسی می‌کند.

در مورد شاخص‌های جهانی شدن ارتباطات و آمارهایی در زمینه کاربری اینترنت و کاربری شبکه‌های ماهواره ای از سایت **Internet World State.net** و سایت **BBC world.net** و **MBC.net** استفاده شد.

در خصوص جهانی شدن حقوق بشر زنان، کتابی تحت عنوان «حقوق بشر حقوق زنان» که توسط فریده حمیدی، سولماز صالح نوین و پروانه قاسمیان به نگارش در آمده است که به بررسی پیدایی مفهوم حقوق بشر زنان، سیر تحول مفهومی و بررسی معاهدات و کنوانسیون های بین المللی در خصوص حقوق زنان می پردازد.

علاوه بر این برای جمع آوری آمارها در خصوص وضعیت زنان در جهان از اطلاعات و آمارهای سازمان ملل متحد که هر ساله دست به انتشار آمارهایی می زند، استفاده شد این اطلاعات در تمام کشورهای عضو سازمان ملل در جایی به نام مرکز آمار و اسناد سازمان ملل متحد انتشار می یابد.

اما در مورد دسته دوم منابع که به حقوق زنان در خاورمیانه می پردازد هیچ منبعی تحت این عنوان در زبان فارسی و لاتین یافت نشد که این حکایت از تازگی و بکر بودن موضوع تحقیق دارد بنابراین منابع بسیاری مورد بررسی قرار گرفت تا یک تصویر کلی از وضعیت زنان در خاورمیانه حاصل شود که البته این تصویر دارای نقایص بسیاری است.

در خصوص تعریف و تبیین مفهوم، تاریخ، جغرافیا و ژئوپلتیک خاورمیانه، اثر دکتر اصغر جعفری ولدانی با عنوان «چالش ها و منازعات در خاورمیانه» و کتاب جرج لنچافسکی به نام «تاریخ خاورمیانه» مفید واقع شد.

حقوق زنان خاورمیانه یکی از حوزه هایی است که مورد غفلت واقع شده است و منابع اندکی در مورد وضعیت و جایگاه حقوقی و اجتماعی آنها نگارش یافته است که بسیاری از آنها به فارسی یا لاتین ترجمه نشده اند.

تعریف مفاهیم و واژگان تحقیق

کلید واژه: جهانی شدن، حقوق زنان، فمینیسم، خاورمیانه، جهانی شدن فرهنگ، جهانی شدن حقوق بشر زنان، جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات

جهانی شدن

جهانی شدن در واقع همکاری آگاهانه و یا الزامی ملتها و فرهنگها جهت زیستن در یک جامعه واحد جهانی است و فرآیندی است که در امتداد تحول در ساختارهای اقتصادی و علوم و فناوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد شده است و در راستای ایجاد نهادها و شکل گیری روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جدیدی قرار دارد. گستره این نهادها و روابط، تمامی قلمرو حیات کره زمین را شامل می شود. جهانی شدن ظرفیت اثرگذاری در ابعاد و سطوح مختلف زندگی جوامع و فرهنگ های گوناگون را دارد. در واقع محوشدن مرزهای جداکننده جهان و حرکت تدریجی جهان به سوی نوعی همگنی یا هم‌گونگی، بیش‌تر در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در واقع می‌توان آن‌را نوعی حرکت از کثرت به وحدت دانست، جهانی‌شدن گفته می‌شود. بنابراین جهانی شدن عبارت از روندی است که در آن میان جوامع مختلف وابستگی متقابل ایجاد می شود و تمامی جنبه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره را تحت تاثیر قرار می دهد. از آن جهت جهانی شدن پدیده ای است که قابل تسری به اشکال گوناگون عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی، فرهنگی، نظامی، تکنولوژی و همچنین عرصه های مختلف عمل اجتماعی نظیر محیط زیست است (گیدنز، ۱۸، ۱۳۷۹)

رونالد رابرتسون معتقد است که جهانی‌شدن فرآیندی است که هم در عرصه آگاهی انسان در حال اتفاق افتادن است و هم در عرصه واقعیت. در هر دو این موارد، پدیده‌های انسانی در حال یافتن ابعادی جهانی‌اند، خودشان را از چهارچوب مرزهای ملی آزاد می‌کنند، و هویت جهانی می‌یابند. بر این اساس تعریفی دو وجهی از جهانی شدن عرضه می‌کند: «جهانی شدن همانند یک مفهوم معطوف است به فشردگی جهان و تشدید و افزایش آگاهی از جهان چونان یک کل» (رابرتسون، ۱۳۸۰، ۶۵) طبق این تعریف رابرتسون جهانی شدن را فشردگی، همگونی، در هم تنیدگی و وابستگی متقابل در سطح جهانی می داند. ولی در عین حال از این فراتر رفته و بر عنصر آگاهی تاکید می ورزد. از نظر او صرف در هم تنیدگی و وابستگی متقابل برای واقعیت یافتی جهانی شدن کافی نیست بلکه انسانها نیز باید از امر جهانی و تعلق به جهانی واحد آگاهی داشته باشند. تعریف رابرتسون از جهانی شدن محور پژوهش حاضر می باشد.

حقوق زنان

حقوق زنان اصطلاحیست که اشاره به آزادی و حقوق زنان در تمامی سنین دارد. ممکن است این حقوق توسط قانون یا رسوم سنتی و یا اخلاقی در یک جامعه به رسمیت شناخته شوند یا نشوند. دلیل گروه‌بندی خاص این حقوق تحت عنوان زنان و جدا کردن آن از حقوق عام‌تری مثل حقوق بشر این است که بنا بر تئوری، این حقوق در بدو زاده شدن برای تمام بشر به رسمیت شناخته می‌شوند اما مدافعان حقوق زنان نشان می‌دهند که به دلایل تاریخی و فرهنگی زنان و دختران بیشتر از مردان از شمول این حقوق خارج می‌شوند. حقوق زنان در همه جوامع و دورانها همواره به مقتضیات زمان، ویژگیهای فرهنگی جامعه و نوع مناسبات اجتماعی آن عصر بستگی داشته است (مصفا، ۱۳۷۵، ۱۰۲). بررسی پیشینه حقوق زن در ادوار تاریخی نشان‌دهنده تسلط پایدار مردسالاری بر آن است. به تعبیر دیگر، غالباً مزایا و موقعیتهای مهم اجتماعی در اختیار مردان بوده است و زنان در وضع فرودست قرار داشته‌اند.

مبحث حقوق زنان معمولاً شامل - و نه منحصر به - این موارد می‌شود: تمامیت بدنی و خودمختاری، حق رای، حق کار، حق دستمزد برابر به خاطر کار برابر. حق مالکیت، حق تحصیل، حق شرکت در ارتش، حق مشارکت در قراردادهای قانونی و در نهایت حقوق سرپرستی، ازدواج و حقوق مذهبی.

فمینیسم^۶

فمینیسم مجموعه‌ی گسترده‌ای از نظریات اجتماعی، جنبش‌های سیاسی، و بینش‌های اخلاقی است که عمدتاً به وسیله‌ی زنان برانگیخته شده‌اند یا از آنان الهام گرفته‌اند، مخصوصاً در زمینه شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها. به عنوان یک جنبش اجتماعی، فمینیسم بیشترین تمرکز خود را معطوف به تحدید نابرابری‌های جنسیتی و پیشبرد حقوق، علایق و مسایل زنان کرده‌است. فمینیسم عمدتاً از ابتدای قرن ۱۹ پدید آمد. زمانی که مردم به طور وسیع این امر را پذیرفتند که زنان در جوامع مرد محور، سرکوب می‌شوند. این کلمه در فرهنگهای مختلف معانی و برداشتهای متفاوتی دارد و در حقیقت مفاهیم گسترده‌ای را شامل می‌شود اما علیرغم این گستردگی می‌توان نکات مشابهی را در گروههای مختلف فمینیستی دریافت. اعتقاد به برابری حقوق، فرصتها، امکانات بین زن و مرد، پایان بخشیدن به مرد سالاری، برابری منزلت اجتماعی، پایان دادن به سلطه جوئی جنسی، مبارزه با ستم، تبعیض و خشونت علیه زنان. (پاملا و والاس، ۱۳۷۶، ۸۶)

⁶ FEMENISM

خاورمیانه

تعریف دقیق خاورمیانه به راحتی امکان پذیر نیست. اصطلاح خاورمیانه را اول بار در سال ۱۹۰۲ مورخ دریایی امریکا، آلفرد ماهان به کار برده است و منظور وی تشریح منطقه اطراف خلیج فارس بود که چون از قاره اروپا به آن نگریسته می شود، نه خاور نزدیک به حساب می آید نه خاور دور. باری بوزان: کشورهای ترکیه، سودان و قبرس را جزء خاورمیانه نمی داند. در صورتی که این کشورها جز خاورمیانه هستند و در این مورد اتفاق نظر وجود دارد. بوزان کشورهای شمال افریقا شامل الجزایر، تونس و مغرب را نیز جز خاورمیانه به حساب می آورد. اما به طور کلی در این پژوهش منظور از کشورهای خاورمیانه عبارتند از ایران، ترکیه، عراق، سوریه، لبنان، اردن، مصر، اسرائیل، عربستان سعودی، یمن، سودان، کویت، بحرین، قطر، امارات عربی متحده، عمان، الجزایر، مراکش، اراضی خودگردان فلسطین. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸، ۱۵)

جهانی شدن فرهنگ

یکی از حوزه‌هایی که جهانی شدن در آن تأثیرات مشخص و روشنی بر جای گذاشته، حوزه فرهنگ است. از این منظر جهانی شدن عبارت است از برقراری پیوندها و ارتباطات متقابل میان جوامع و از آنجا که فرهنگ محوری‌ترین پیوند میان ملت‌ها و مکان‌هاست و بدون تردید فرهنگ مهم‌ترین جزء جهانی شدن است. تشدید روابط اجتماعی جهانی و پیوند هرچه بیشتر، نزدیکتر و سریعتر رویدادهای تمامی جوامع بشری با یکدیگر مشخصه ملموس و آشکار جهانی شدن است.

جهانی شدن فرهنگ عبارت است شکل گیری و گسترش یک فرهنگ خاص که در اثر آمیزش و ارتباط فرهنگ های گوناگون حاصل شده است که به درک متقابل فرهنگ ها از یکدیگر می انجامد و محصول پیشرفت های عظیم در فناوری ارتباطات و تبادل اطلاعات و نفوذ و گسترش شبکه های رایانه ای و ماهواره ای می باشد. (عاملی، ۱۳۸۳، ۱۱۷)

رابرتسون جهانی شدن را پدیده فرهنگی می‌داند که بستری برای جهانی شدن فرهنگ‌ها و عام شدن آنها و همچنین خاص و محلی شدن عناصر فرهنگ جهانی فراهم می‌کند. از این منظر جهانی شدن به معنای زوال فرهنگ های ملی _ محلی نیست بلکه به اعتقاد رابرتسون هم باید به خاص و تفاوت و هم باید به عام و انسجام توجه کامل نماییم. ما شاهد و شرکت کننده در یک فرایند عظیم دو وجهی هستیم که همزمان عام گردانیدن خاص و خاص گردانیدن عام است (رابرتسون، ۱۳۸۰، ۲۱۳)

جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات

بعد دیگر فرآیند جهانی شدن، بعد اطلاعاتی و ارتباطی است؛ همه اینها مباحثی است که در سایه پیدایش رسانه های الکترونیکی و کاربرد عمومی آنها در سطح جهان طرح شده و در حقیقت می توان گفت انقلاب سوم صنعتی زمینه و زیربنای بسیاری از تحولاتی است که در حوزه اقتصاد جهانی و همچنین زندگی اجتماعی در حال وقوع است. "مک لوهان" در مورد نقش رسانه ها و وسایل ارتباطی در جهانی شدن، معتقد است که «ارتباطات الکترونیک، جهان را همچون یک رشته اعصاب به هم پیوند داده است و بر آن است که پیشرفت وسایل ارتباطی به انفجار اطلاعات انجامیده و مدارهای الکتریکی نظام مکان و زمان را درهم نوردیده و امور مربوط به سایر افراد بشر را به طور مستمر و هم زمان در پیش دیدگاه ما قرار داده است.» (مک لوهان، ۱۸، ۱۳۷۷)

این پدیده، گفت و گو در مقیاس جهانی را ممکن کرده و به تدریج فواصل فرهنگی موجود را رفع می کند. البته نباید نقش ارتباطات در جهانی شدن اقتصادی و سیاسی را نیز از نظر دور داشت. رسانه های ارتباطی، همچون رایانه و تلفن، جایگاه برجسته ای در اقتصاد و تجارت جهانی دارند و زمینه تجارت فراملی را فراهم می آورند. همچنان که برخی رسانه ها همچون تلویزیون های جهانی، در محدود کردن قدرت و اقتدار دولت های ملی، نقش به سزایی ایفاء می کنند. علاوه بر این صنعت ارتباطات با ارائه اطلاعات، یک جزء حیاتی حمایت از حقوق بشر است. این سیستم ارتباطات جهانی می تواند در جهت مقاومت علیه سلطه و خودکامگی از سوی گروه های حقوق بشر، اطلاعات و کمک در اختیار آنها قرار دهد و از آنها حمایت کند، سازمان های غیر حکومتی حقوق بشر نظیر عفو بین الملل در یک فضای مملو از اطلاعات در اوج شکوفایی خود هستند. زمانی که مردم به حقوق بشر پی می برند و از تخلفات از حقوق بشر آگاهی می یابند، به احتمال زیاد در مقام حمایت از آن بر می آیند.

افزون بر این، سیستم ارتباط جهانی، توانایی حکومت ها در پنهان کردن اقداماتشان، از جمله اقدامات ناقض حقوق بشر را از دید عمومی کاهش می دهد. این افشاگری می تواند به تغییر خط مشی سیاسی از سوی دولت مورد نظر منتهی گردد. افزون بر این، اطلاعات عرضه شده از رهگذر صنعت جهانی ارتباطات می تواند از سوی سایر دولت ها به فشار بین المللی و حتی اقدام علیه دولت مورد نظر نیز ختم شود. بنابراین گسترش و جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات خود به معنی گسترش و جهانی شدن فرهنگ جدید است. رسانه ها به عنوان حامل مهمترین نمادهای فرهنگ نو شناخته می شوند و بر تمامی شئون اجتماعی از سیاست و اقتصاد گرفته تا ارزشها و رفتارهای روزمره مردم جوامع مختلف تأثیر می گذارند.

جهانی حقوق بشر زنان

حقوق بشر زنان شامل تلاش هایی است که فعالان حقوق زن را به ترویج دستاوردهای حقوق زنان در حوزه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و اقتصادی؛ برای به کارگیری آن ها در چهارچوب حقوق بشر، ترغیب می کند. (حمیدی، ۳۸، ۱۳۸۲) در فاصله ی سال های (۸۵-۱۹۷۶) که «دهه سازمان ملل برای زنان» نام گرفت، زنانی با زمینه های مختلف نژادی، مذهبی، فرهنگی و طبقاتی، سازماندهی اصلاح وضعیت زنان را از سرگرفتند. از سوی سازمان ملل، کنفرانس هایی باهدف ارزیابی وضعیت زنان و تنظیم استراتژی هایی برای پیشرفت آنها برگزار شد که کنفرانس های مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کپنهاک (۱۹۸۰) و نایروبی (۱۹۸۵) از آن جمله اند. این کنفرانس ها که نمایانگر جهانی شدن حقوق بشر زنان هستند جایگاه نقادانه ای بودند که زنان گردهم آمده، فرصت داشتند از تفاوت ها و اشتراکاتشان صحبت کند و به تدریج آموختند که از تفاوت ها، به خلق و ایجاد یک جنبش جهانی پل بزنند. در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ و با پایان جنگ سرد، فضایی برای مباحث جدید فراهم شد که طی آن تبادل نظرات و تجربیات میان زنان در سراسر دنیا تسهیل شد که در نتیجه، سیاست گذاری راجع به اینکه چگونه چشم اندازهای حقوق بشر زنان قابل رویت تر شوند، ایجاد شد. همان گونه که فعالیت های زنان در سطح جهانی، در خلال دهه سازمان ملل برای زنان (۸۵-۱۹۷۶) برای زنان توسعه می یافت، تعداد بیشتر از زنان سئوالاتی راجع به این که چرا حقوق زنان و زندگی آنها نسبت به حقوق بشر و زندگی مردان امری ثانویه فرض شده است، مطرح کردند زنان در کشورهای مختلف بسراغ چارچوب حقوق بشر رفتند و به توسعه ابزارهای تحلیلی و سیاسی پرداختند که سازنده ایده ها و رویه های حقوق بشر زنان هستند.

بنابراین اصطلاح «حقوق بشر زنان» صرفاً به رهیافت های تئوریکی که زنان برای تغییر ماهیت برنامه ها، دستور کارها و مفاهیم حقوق بشر بکار برده اند نسبت داده نمی شود. اندیشه حقوق بشر زنان، افزون بر اینکه ابزاری در تنظیم چالش ها و خواسته های عقلانی اعلام شده توسط زنان بوده، به عنوان یک ابزار، تأثیر شگرفی بر عمل گرایی سیاسی آنان داشته است. کاربرد ایده حقوق بشر زنان، چه به عنوان لابی سیاسی یا پرونده های حقوقی و چه به عنوان بسیج توده ها یا کوشش های فراگیر آموزشی، سبب اشتراک و گردهم آیی زنان جهت عبور از موانع و محدودیتها بوده و ایجاد استراتژی های جمعی به منظور ترویج و حمایت از حقوق بشر زنان را تسهیل کرده است. این استراتژی در تلاش برای جلب توجه به حقوق بشری که ویژه زنان بوده و بیشتر به عنوان حقوق زنان شناخته می شده است- اما به عنوان حقوق بشر به رسمیت شناخته نمی شده- یک استراتژی محوری و انسانی است. (همان، ۶۷)

شاخص های متغیر مستقل و متغیر وابسته

جهانی شدن منجر به ارتقاء حقوق زنان در خاورمیانه (۲۰۱۰-۱۹۷۹) شده است.

متغیر مستقل متغیر وابسته

شاخص های متغیر مستقل:

جهانی شدن

جهانی شدن را می توان روند تشدید روابط اجتماعی جهانی نیز تعریف کرد که مکان های دوردست را به گونه ای به هم پیوند می دهد که به موجب آن، رویدادهای محلی نیز تحت تاثیر حوادثی شکل می گیرد که کیلومترها از هم فاصله دارند. این پدیده زمینه چالش های فراوانی را در عرصه فرهنگ و تمدن بشری فراهم ساخته است. علاوه بر این جهانی شدن دارای ابعاد گوناگونی است و حوزه های مختلف زندگی اجتماعی مانند فرهنگ، اقتصاد و سیاست، ارتباطات، دین، هویتو ... را تحت تاثیر قرار داده است تأثیر امواج این جریان فکری به خصوص در سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست بر کسی پوشیده نیست. البته در این نوشتار تأکید و تمرکز مطالعاتی بر جهانی شدن در حوزه فرهنگ است. ولی از آنجایی که جنبه های حیات اجتماعی در فرآیند جهانی شدن در هم تنیده اند، جهانی شدن اقتصاد و سیاست را نمی توان نادیده گرفت. بر این اساس جهانی شدن اقتصاد و سیاست را به طور اجمالی تعریف می کنیم اما در تبیین جهانی شدن فرهنگ - به عنوان اصلی ترین شاخص جهانی شدن در این پژوهش - دو شاخص کلیدی آن، یعنی ارتباطات و اطلاعات و حقوق بشر (با تأکید بر حقوق بشر زنان) را تبیین می کنیم.

جهانی شدن اقتصاد: جهانی شدن اقتصاد اساساً معرف روندی است که در برگیرنده گسترش و توسعه تجارت بین الملل و سرمایه گذاری های مستقیم خارجی، بین المللی شدن روز افزون بازارهای پولی، مالی و اعتباری و نیز رشد و گسترش بازارهای سرمایه خارجی است. جهانی شدن از بعد اقتصادی از تبدیل جهان به جهانی بدون مرزهای اقتصادی و نظام های اقتصادی در حال ادغام خبر می دهد که در آن بنیان های جهانی مشترک و شرکت های بین المللی صاحب نفوذ در تمام اقتصادهای داخلی، بدون دخالت و رهبری دولت ها هدایت می شوند و این مفهوم را در بردارد که تصمیمات و اقدامات اقتصادی در یک بخش از جهان نتایج مهمی را برای اشخاص و اقتصادهای دیگر در بردارد.

جهانی شدن سیاسی: مقصود از جهانی شدن سیاست این است که مسائل و مباحثی که قبلاً به حوزه داخلی و حیطه حاکمیت دولت‌ها تعلق داشتند، با گذشت زمان ابعاد جهانی بیشتری پیدا می‌کنند. برخی از مسائل مانند مهاجرت، تخریب محیط زیست یا سلاح‌های کشتار جمعی ماهیتاً جهانی هستند. ترویج اندیشه جهان وطنی در سطح روابط بین‌الملل و اقوام، ارتقای دموکراسی و رشد فرهنگ سیاسی در سطح جهان، تبدیل اقتدار سنتی جوامع به قدرت نظام مند و رقابتی، رشد و گسترش حقوق شهروندی، تقویت و رشد آگاهی در قالب جامعه مدنی، تحول در بینش‌های سیاسی، تغییر شیوه نگرش به حیات سیاسی، تبادل اطلاعات، عقاید، افکار و ارزش‌های سیاسی در سطح کلان و بین‌المللی و نهاد مند شدن تکثر و آزادی انتخاب در قالب مدل‌های توسعه سیاسی و جامعه مدنی، بخش قابل توجهی از تأثیرات جهانی شدن در عرصه سیاسی در سطح جهان را به خود اختصاص داده است.

جهانی شدن فرهنگ: جهانی شدن فرهنگ بیشتر ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش یک جامعه جهانی فرهنگی است که در اثر رشد بی‌سابقه رسانه‌های ارتباط جمعی و تکنولوژی اطلاعات؛ یک نوع به هم پیوستگی فزاینده‌ای فرهنگی در سراسر جهان بوجود آمده است و جوامع نسبت به هویت و فرهنگ و هنجارهای دیگر بیشتر از هر زمان دیگر دسترسی دارند بنابراین بازی فرهنگی در صحنه جهانی بازی همه یا هیچ نیست و نوع همزیستی، اختلاط و تعالی فرهنگی هم امکان دارد.

شاخص‌های جهانی شدن فرهنگ:

۱) جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات: انقلاب ارتباطات که بستر اصلی رشد جهانی شدن محسوب می‌شود به عنوان عنصر اصلی این جریان، در حوزه فرهنگ جهانی تأثیرات شگرفی به جای گذاشته است. هم‌اکنون در یک دهکده جهانی با پیوندهای الکترونیک و مخابراتی زندگی می‌کنیم که بر یک شالوده اطلاعاتی استوار است. به بیان دیگر، در عصر اطلاعاتی زندگی می‌کنیم که ادامه بقای آن به رسانه‌های ارتباطی و فناوری‌های اطلاعاتی وابسته است. جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات، در این نوشتار خود با دو شاخص بررسی می‌شود.

۱. کاربران اینترنت در جهان و خاورمیانه

۲. کاربران تلویزیون‌های ماهواره‌ای

۲) جهانی شدن حقوق بشر: حقوق بشر حقوقی بنیادین و انتقال ناپذیر است که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی می‌شود. در این تعریف نوع بشر منظور زنان است. حقوق زنان مجموعه حقوقی است که برای حمایت از زنان پدید آمد تا تبعیض بین زنان و مردان در بیشتر مسائل وجود نداشته باشد. شاخص های جهانی شدن حقوق بشر زنان عبارتند از:

۱. گسترش و پیدایش اسناد حقوق بشر زنان که گواه اهمیت یافتن جایگاه و حقوق زنان در گستره جهانی است.

۲. بهبود وضعیت عمومی زنان در دو دهه اخیر

شاخص های متغییر وابسته :

حقوق زنان خاورمیانه: متغییر وابسته

حق مشارکت سیاسی

وضعیت اشتغال

وضعیت تحصیل زنان